

فرصت‌های مشترک ایران و روسیه در عرصه ژئوپلیتیک انرژی؛ وضعیت فعلی و چشم‌انداز

دکتر رضا سیمبر^۱

محمد گل‌افروز^۲

(تاریخ دریافت ۸۸/۶/۴ - تاریخ تصویب ۸۸/۸/۲۰)

چکیده

شناسایی و تبیین فرصت‌های ژئوپلیتیک انرژی (نفت و گاز) به عنوان بخشی از استراتژی بلندمدت کشورهای مصرف‌کننده از یک سو و شناسایی قابلیت‌های ژئوپلیتیکی ایران و روسیه به عنوان بزرگترین تولیدکنندگان نفت و گاز از سوی دیگر، بر سیاستگذاری‌ها و برنامه‌های راهبردی تعداد زیادی از کشورها در بازار انرژی جهانی به ویژه در آسیا و نیز منطقه آسیای مرکزی و قفقاز تأثیر دارد. در این صورت شایسته است که امکان دستیابی و شیوه‌های بهره‌برداری از فرصت‌ها در جهت نقش‌آفرینی مشترک ایران و روسیه در عرصه ژئوپلیتیک انرژی در منطقه را مورد ملاحظه قرار دارد. این مقاله ضمن توضیح جایگاه انرژی ایران و روسیه، فرصت‌های مشترک آنها را در سطح منطقه و جهان تشریح می‌کند. همچنین بررسی امکان نقش‌آفرینی مشترک آنها در سازمان‌های بین‌المللی مانند اوپک و یا اوپک گازی با توجه به شرایط فعلی مورد توجه می‌باشد. بدین ترتیب این سؤال مطرح خواهد بود که توانایی بازیگری مشترک ایران و روسیه در عرصه ژئوپلیتیک انرژی جهانی چه تأثیری بر منابع ملی آنها خواهد داشت؟ برای این منظور محیط تحقیق در چارچوب تعاملات ژئوپلیتیکی، فرصت‌های مشترک ایران و روسیه بررسی می‌شود و نیز در حوزه‌های مختلف ژئوپلیتیک جهت ایجاد شکاف بین بازیگران رقیب در سطوح مختلف، موضوع مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۱- دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان، Rezasimbar@hotmail.com

۲- کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک انرژی، فرصت‌های مشترک، ایران و روسیه، سطوح جهانی و منطقه‌ای.

مقدمه

هدف کشورهای صنعتی و در حال توسعه در دستیابی به منابع انرژی (نفت و گاز)، ضمن تعقیب نیازهای خود بیشتر در چارچوب نگاه ژئوپلیتیکی آنها به انرژی قابل تحلیل است. امروزه در تحلیل ژئوپلیتیک کلاسیک رقابت قدرت‌های بزرگ برای سلطه بر مهمترین منابع انرژی و نواحی قدرت، یعنی تسلط بر دنیا تلقی می‌شود. مسابقه قدرت‌های بزرگ برای تسلط بر منابع نفت و گاز حوزه‌های ژئوپلیتیک خزر، آسیای مرکزی، قفقاز، خاورمیانه و به ویژه خلیج فارس، ضمن تلاش برای تأمین منابع اقتصادی به گونه‌ای در چارچوب تلاش برای حوزه‌های استراتژیک خود می‌باشد. حضور بازیگران منطقه‌ای و جهانی و مسابقه آنها بر سر منابع انرژی این حوزه‌ها و چگونگی انتقال آن به دنیای خارج، نگاه بازیگران منطقه به ویژه ایران و روسیه را به بررسی علل واقعی تلاش‌های گسترده سیاسی و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ اقتصادی آنها در این منطقه جلب کرده است. ایران، با بهره‌گیری از نقش تاریخی خود در منطقه و نیز نقش‌سازی خود در افغانستان و عراق، آسیای مرکزی، قفقاز و حوزه خزر و همچنین در خاورمیانه و جهان اسلام درصدد برجسته کردن جایگاه خود نسبت به سایر کشورهای منطقه است. روسیه هم با داشتن جایگاه خوب و توانایی‌های زیاد در عرصه نفت و گاز، برای کند نمودن روند اقدامات کشورهای غربی و شکستن انحصار آنها در زمینه انرژی، و افزایش روابط اقتصادی خود با کشورهای منطقه و حضور و نفوذ خود در صنایع نفت و گاز آنها برای ارتقای توانی‌ها و ایجاد ظرفیت‌ها و مسیرهای جدید در صادرات و ترانزیت نفت و گاز اقداماتی را انجام می‌دهد. از اینرو ارزیابی کلی از همکاری‌ها و تعاملات ایران و روسیه در عرصه جهانی انرژی و برنامه‌های در دست اقدام آنها با توجه به حجم ذخایر فعلی و بالقوه نفت و گاز و تولیدشان در سطح جهان، می‌تواند در تأمین اهداف سیاسی، اقتصادی و امنیتی آنها مؤثر باشد.

هدف اصلی این مقاله، تشریح تأثیر گسترش روابط ایران و روسیه در زمینه انرژی (نفت و گاز) و استفاده از فرصت‌های مشترک برای تأمین منافع ملی یکدیگر برای پاسخ به این پرسش است که در صورت گسترش روابط انرژی بین ایران و روسیه، تأثیرگذاری آنها بر منافع ملی یکدیگر، چه

فرصت‌هایی برای آنها بوجود می‌آید؟ انتخاب و عملی شدن هر یک از فرصت‌های ممکن در زمینه نفت و گاز تأثیراتی بر منافع اقتصادی آنها خواهد گذاشت. ایران در این زمینه از گسترش روابط خود و نزدیکی با روسیه که یک قدرت نامتقارن بزرگ است، تلاش می‌کند جایگاه خود را به عنوان قدرت اول منطقه تثبیت کند. روسیه هم ضمن ارتباط مستمر خود با ایران و استفاده از موقعیت ژئوپلیتیکی ممتاز ایران در منطقه در صدد نفوذ خود در خلیج فارس و در نهایت کنترل انرژی جهان است. در شرایط فعلی تأثیر متقابل هر یک از آنها بر همدیگر یک فرصت تلقی می‌شود.

منافع ملی مشترک ایران و روسیه در سطح منطقه‌ای

در چند دهه اخیر هم شاهد ظهور انقلاب اسلامی در ایران بودیم و هم عزم راسخ روسیه به خروج از سیستم لیبنی - استالینی و غروب رژیم نظامی - ایدئولوژیک در شوروی (ایوب^۱، ۲۰۰۲: ۱۷-۱۰)، اما سقوط دیکتاتوری‌های ایران و شوروی به اقتضای تمایل پایدار و یک قرن به دموکراسی، همزمان با افول قدرت ژئوپلیتیک نظامی و نیز تحول قدرت‌های اکو^۲، اینفو^۳، کالچو^۴ پولتیک در سطح جهان بود. دنیا هم اکنون آماده قبول نوعی «قومیت مدنی جهانی» است که حول محور ارزش‌های هسته‌ای معطوف به ایجاد وحدت مردم در زمینه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، مذهبی و فلسفی است. در برابر این تحولات، غرب همچنان به تمهیدات گوناگونی برای ماهیگیری استراتژیک از آشوب‌های مناطق مجاور ایران و روسیه می‌اندیشد (سیف‌زاده، ۸۷: ۷۵-۶۸). غرب با نفوذ در حوزه‌های مختلف ژئوپلیتیکی از جمله دریای خزر، آسیای مرکزی، قفقاز و با معرفی منطقه خاورمیانه به عنوان «رقیب بحرانی جهان امروز» به دنیا، و از قبال ائتلاف بین‌المللی برای جنگ تمام عیار علیه طالبان در افغانستان و صدام در عراق به بهانه تروریسم و اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، در آوردگاه نبرد مستقیم و کلاسیک، کشورهای منطقه را عرصه جنگ‌های غیرمتقارن کرد. هدف آنها از تشنج منطقه، به کنترل در آوردن قدرت منطقه‌ای ایران

۱ - Ayoob

۲ - منظور از این عبارت ژئوپولتیک اقتصادی می‌باشد.

۳ - منظور از این عبارت پایگاه‌های اطلاعاتی است.

۴ - مراد ژئوکالچر و سیاست فرهنگی است.

و روسیه فدرال به عنوان یک قدرت نامتقارن بزرگ در کنار جریان ارزان و بدون دغدغه انرژی منطقه (نفت و گاز) به سوی کشورهای غربی و آمریکاست. در این آوردگاه، بیداری ایران و روسیه برای حفظ جایگاه سنتی خود در منطقه، به همراه در اختیار داشتن ذخایر بزرگ نفت و گاز و مطرح در سطح جهان، می‌تواند عاملی در اتحاد استراتژیک آنها در حوزه‌های مختلف ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی باشد.

۱- حوزه آبی دریای خزر

دریای خزر محل تلاقی منافع ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک پنج کشور ترکمنستان، قزاقستان، آذربایجان، ایران و روسیه است. علاوه بر آن رقابت آمریکا و اتحادیه اروپا با روسیه، قضیه را در منطقه پیچیده‌تر ساخته است. این منطقه با گذشت بیش از دو دهه از فروپاشی شوروی سابق بحث‌های مربوط به مرزهای آبی آن، سهم کشورها از منابع انرژی آن و ده‌ها موضوع اقتصادی دیگر همچنان موضوع اساسی و مناقشه‌زا در صحنه منطقه‌ای و جهانی بوجود می‌آورد. بر همین اساس تعیین رژیم حقوقی جدید دریای خزر و تعیین حدود مرزهای دریایی در برقراری آرامش، ثبات سیاسی و اقتصادی منطقه و نیز حفظ محیط زیست آن ضروری به نظر می‌رسد. در این میان نقش آفرینی ایران و روسیه به عنوان بازیگران منطقه و مالکان اصلی دریای خزر (تا قبل از فروپاشی شوروی سابق) مؤثر می‌باشد. لذا حفظ منافع آنها از سوی کشورهای تازه استقلال یافته حاشیه خزر و قدرت‌های جهانی مؤثر بر عرصه منابع انرژی و اقتصادی دریای خزر از ضروریات برقراری ثبات و امنیت در منطقه است (گل‌افروز، ۳۵:۸۸). امروزه اختلافات موجود بیشتر بر سر منابع سرشار انرژی خزر و جلب توجه کشورهای فرامنطقه‌ای برای انتقال آن با توجه به جنبه‌های استراتژیک خاص آنها، منطقه را حساس می‌کند. همچنین در این رابطه ویژگی‌های خاص کشورهای محاط حوزه خزر و نیاز آنها به بازارهای جهانی و صادرات و واردات، به ویژه صادرات نفت و گاز که اقتصاد آنها در دهه‌های اخیر به آن استوار است، تحولات منطقه را به سوی عامل انرژی و مسایل نفت و گاز و سیاست‌های مربوط به انتقال آن سوق داده است (وثوقی، ۲۷:۸۸). در مقابل این برداشت‌ها در تأمین منافع امنیتی و ژئوپلیتکی، ایران و روسیه این فرصت را دارند که هر چه سریع‌تر با تعیین دقیق نظام حقوقی دریای خزر، موقعیت خود را که به دنبال کسب جایگاه منطقه‌ای و جهانی هستند، مستحکم‌تر کنند. چرا که تأخیر در تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و ورود بازیگران فرامنطقه‌ای و اختلال در ژئوپلیتیک خزر، موجب تزلزل موقعیت آنها

به عنوان بازیگران سنتی منطقه می شود.

۲- حوزه قفقاز

قفقاز منطقه‌ای کوهستانی در جنوب غربی روسیه و شمال غربی ایران است که از غرب به دریای سیاه و آزوف، از جنوب غربی به ترکیه و از شرق به دریای مازندران محدود است. سلسله ارتفاعات قفقاز بزرگ، این منطقه را به دو نیمه جنوبی شامل «قفقاز جنوبی»^۱؛ جمهوری‌های آذربایجان، ارمنستان و گرجستان و نیمه شمالی (قفقاز شمالی)^۲ شامل جمهوری‌های خودمختار فدراسیون روسیه که به ترتیب از شرق به غرب عبارتند از جمهوری‌های خودمختار داغستان، چچن، اینگوش، اوستیای شمالی، کاباردابالکار، قره چای- چرکسیا و آدیگه (آدینه) می‌باشند (صدیق، ۸۳: ۴۳).

جدول ۱- اطلاعات کلی از کشورهای مستقل و خودمختار در قفقاز

منطقه	جمهوری‌های مستقل و خودمختار در قفقاز	مرکز	جمعیت به هزار نفر	مساحت به کیلومتر مربع
قفقاز جنوبی (کشورها)	آذربایجان	باکو	۸/۷۴۷	۸۶/۶۰۰
	ارمنستان	ایروان	۲/۹۷۶	۲۹/۸۰۰
	گرجستان	تفلیس	۴/۴۷۴	۶۹/۷۰۰
قفقاز شمالی (جمهوری‌های خودمختار) روسیه	داغستان	ماخاچ قلعه	۲/۱۴۳	۵۰/۳۰۰
	چچن	گروزنی	-	-
	اینگوش	اینگوش	-	-
	اوستیای شمالی	ولادی قفقاز	۶۹۵	۸۰/۰۰۰
	کاباردابالکار	نالچیک	۷۸۴	۱۲/۵۰۰
	قره چای- چرکس	چرکسک	۴۳۱	۱۴/۱۰۰
	آدیگه	مایکوپ	۴۴۲	۷/۶۰۰
در حال استقلال از گرجستان	اوستیای جنوبی	تسخینوالی	۹۹ (آمار سال ۱۹۸۵)	۳/۹۰۰
	آبخازی	سوخومی	-	۸/۶۰۰

استخراج از (گیتاشناسی، ۸۷)، (آقازاده، ۶: ۸۳)، (شریعتی، ۱۵: ۸۴) و (براکوار، ۲۲: ۸۱)

۱ - Transcaucasia

۲ - Ciscaucasia

به لحاظ ژئوپلیتیکی قفقاز در دوران جنگ سرد به واسطه برخورد دو قلمرو ژئواستراتژیک قاره‌ای به رهبری شوروی سابق و دریایی به رهبری آمریکا دارای اهمیت بود. این منطقه با ۵۰ گروه اقوام مشهور است. همجواری و برخورد دو قلمرو دینی اسلام و مسیحیت، قرار گرفتن قلمرو ارمنستان به عنوان یک زائده ژئوپلیتیکی در مرکز قفقاز و بر هم زدن پیوستگی وحدت جغرافیایی جهان ترک که از غرب چین تا شبه جزیره بالکان کشیده می‌شود، از چالش‌های موجود منطقه می‌باشد (امیراحمدیان، ۱۰۶:۸۲). قفقاز اکنون علاوه بر موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک، دارای اهمیت ژئواکونومیک نیز می‌باشد و علاوه بر کشورهای منطقه، کشورهای فرامنطقه را نیز در خود درگیر کرده است. همچنین راه‌های ارتباطی جاده‌ای و ریلی، خطوط انتقال برق و خطوط لوله نفت و گاز از دوران شوروی تاکنون از این منطقه می‌گذرد. منطقه قفقاز بعد از فروپاشی، به علت مسایل مربوط به خلاء امنیتی و وجود منابع انرژی در این منطقه و دریای خزر و بحث انتقال آن به بازارهای جهانی، به یک نقطه کانونی مورد توجه قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای مبدل شد. از سوی دیگر، با توجه به پیچیدگی زیاد منطقه قفقاز، هر حرکتی که در یکی از واحدهای متشکله آن پدید آید، در واحدهای دیگر منطقه منعکس می‌گردد. به همین دلیل باید یک اجماع نظر میان کشورهای واقع در قفقاز و قدرت‌های پیرامونی آن به وجود آید (حیدری، ۱۴۸:۸۲). اوج این نظریه در جنگ گرجستان با روسیه بر سر منطقه اوستیای جنوبی و آبخازی در سال ۲۰۰۸ میلادی می‌باشد. تهدید گرجستان به مرزهای جنوبی روسیه در جمهوری‌های خودمختار قفقاز شمالی که برای روسیه اهمیت استراتژیک دارد، با همکاری بازیگران فرامنطقه‌ای مانند ایالات متحده و ناتو، با هدف تأمین منافع حیاتی خود از جمله تنوع بخشی به منابع تأمین انرژی، گسترش حضور نظامی-سیاسی و از همه مهم‌تر مهار کردن روسیه و ساماندهی انقلاب رنگی در گرجستان موجب درگیری شدید نیروهای روسیه با گرجستان شد (امیراحمدیان، ۸۷:۸۷)، که نتیجه آن به رسمیت شناختن استقلال دو منطقه خودمختار اوستیای جنوبی و آبخازی گرجستان از سوی روسیه و بر هم خوردن نظم منطقه‌ای بود.

در این زمینه ایران به عنوان بازیگر سنتی دیگر منطقه با هدف کنترل جدال‌های منطقه‌ای و ژئوپلیتیکی در قفقاز از طریق مدیریت بحران در سیاست خارجی خود (محمدی، ۱۶۱:۸۴)، همچنان در فکر تعامل سازنده به مفهوم جلوه‌هایی از ارتباط چند سطحی برای ایفای نقش و ایجاد تعادل در حوزه رفتاری خود در منطقه قفقاز می‌باشد. در این راستا ایران معتقد است موضوع قفقاز باید بر اساس قانون و عدالت در چارچوب همکاری‌های منطقه‌ای ساماندهی

شود (ایران نیوز، ۸۷). به طور کلی ایران و روسیه می‌توانند با تعامل کشورهای بحرانی منطقه و بازسازی محیط بحرانی خود از گسترش جدال‌های سیاسی، منازعات نظامی و تعارضات محیطی به داخل مرزهای خود جلوگیری کنند. در این صورت با محدودسازی حضور و نقش تأثیرگذار نیروهای مداخله‌گر در منطقه و گسترش سطح همکاری‌های امنیتی و اقتصادی خود به ویژه در زمینه انرژی و انتقال نفت و گاز منطقه به اروپا از این فرصت برای نیاز مشترک امنیتی خود در حوزه قفقاز بهره‌برداری کنند.

۳- حوزه آسیای مرکزی

آسیای مرکزی منطقه وسیعی است که در میان پژوهشگران توافقی در محدوده آن وجود ندارد، اما بیشتر منابع، افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان را کشورهای واقع در این محدوده می‌دانند. از نظر تاریخی، این منطقه در حوزه تمدنی ایران واقع شده است، چرا که زمانی قلمرو سرزمینی ایران بوده است. امروزه ازبکستان و قزاقستان مهمترین کشورهای منطقه با تراز تجاری مثبت، از نظر اقتصادی و سیاسی، برای ایجاد هژمونی سیاسی با هم رقابت می‌کنند (غرایاق زندی، ۸۷: ۲۱۷).

جدول ۲- اطلاعات کلی کشورهای آسیای مرکزی

کشور	مرکزی	جمعیت به هزار نفر	مساحت به کیلومتر مربع
ازبکستان	تاشکند	۲۶/۳۸۳	۴۴۷/۴۰۰
تاجیکستان	دوشنبه	۷/۰۶۳	۱۴۳/۱۰۰
ترکمنستان	عشق آباد	۴/۸۹۹	۴۸۸/۱۰۰
قرقیزستان	بیشکک	۵/۱۹۲	۱۹۸/۵۰۰
قزاقستان	آستانه	۱۵/۲۴۲	۲/۷۱۷/۳۰۰

منبع: گیتاشناسی، ۸۷

«این منطقه خیلی بزرگ با کارکردهای یک عایق، پویش‌های داخلی لازم برای تکمیل مسیر پیش مجموعه به مجموعه امنیتی منطقه‌ای را دارد. آسیای مرکزی از نظر قدرت در مقایسه با تمام قدرت‌های اطراف خود فوق‌العاده ضعیف است. از جمله چند قدرت بزرگ که حوزه‌های آنها هم‌پوشان منطقه است، می‌توانند به آسیای مرکزی اجازه حیات دهند مشروط بر آنکه نقش عایق

را میان آنها بازی کند و هیچ یک از قدرت‌های بزرگ قادر به تسلط بر آن نباشند» (بوزان، ۲۴۰:۸۸). در این منطقه امنیت اجتماعی، سیاسی و نظامی پیوند تنگاتنگی با هم دارند. دولت‌های نوپای این منطقه چیزی جز طرح‌هایی شکننده نیستند. سرشت آنها از نظر قوم‌سالارانه یا چند قومی بودن هنوز معلوم نیست و میزان استقلال عمل آنها در ارتباط با روسیه نیز به همان اندازه نامشخص است (بوزان، ۲۰۸:۸۶). آنها در یک بستر ژئوپلیتیکی که جزء قلمرو بسترهای قاره‌ای هستند برای دسترسی به اقصی نقاط جهان از طریق یک منطقه حاشیه‌ای جهت تعاملات اقتصادی مبتنی بر اتباطات، حمل و نقل، ترانزیت کالا و انتقال انرژی در تلاش‌اند. از طرفی ترس کشورهای منطقه از تسلط دوباره روسیه به این کشورها، پای بازیگران فرامنطقه‌ای مانند: ناتو، آمریکا، اروپا و حتی ترکیه و هند را با هدف دست یازیدن به منابع و کنترل عوامل رقابتی دیگر، باز کرده است. در این میان رقابت چین و روسیه به عنوان قدرت‌های بزرگ دنیا و هم مرز با حوزه آسیای مرکزی بر سر بازارهای منطقه و انرژی‌های فسیلی با اروپایی‌ها و آمریکا، فرصت بهره‌برداری ایران در نزدیکی به منطقه را بیشتر می‌کند، بر همین اساس پیشنهاد عضویت نظارتی ایران در پیمان شانگهای توسط روسیه و چین مؤید این مطلب می‌باشد (حافظ‌نیا، ۸۷: ۱۰۴-۸۹).

از نظر ژئواکونومی، انرژی موجود در اوراسیای مرکزی منابعی با ارزش برای کشورهای شرق و غرب و گزینه‌ای جهت تنوع‌بخشی به واردات انرژی هستند (امیراحمدیان، ۹:۸۴)، اما برای بازیگران فرامنطقه‌ای مانند آمریکا آن چیزی که مهم است نه انرژی بلکه حضور آنها در نزدیکی مرزهای چین و روسیه و شرکت در بازی بزرگ اوراسیاست. آسیای مرکزی از زمان مکیندر تا برژینسکی در قرن بیست و یکم برای قدرت‌های بزرگ اهمیت داشت و آن را قلب زمین نامیدند. از طرفی اروپا امروزه برای دستیابی به منابع انرژی جایگزین روسیه و در پی رقابت با آن برای انتقال انرژی‌های فسیلی آسیای مرکزی به اروپا است. در این صورت فرصتی مناسب برای سرمایه‌گذاری ایران در انتقال انرژی از طریق ارمنستان و یا ترانزیت گاز ترکمنستان به ترکیه و اروپا و همچنین انتقال انرژی از طریق KTI یعنی قزاقستان، ترکمنستان به ایران (برای نقش آفرینی) بوجود می‌آورد. اما روس‌ها برای انتقال انرژی به اروپا موافق نیستند. آن‌ها حاضرند انرژی منطقه به سمت چین و آسیای جنوب شرقی برود و حتی مایلند در خط لوله ایران، پاکستان و هند سرمایه‌گذاری کنند و انرژی را به سمت شرق روانه کنند تا دست آنها را در انحصار انرژی اروپا بازتر کند. به هر صورت چه انتقال انرژی آسیای مرکزی به غرب و چه به سوی شرق انجام گیرد، این فرصت برای بازیگران سنتی منطقه یعنی ایران و روسیه وجود دارد که با تعامل و

همکاری بیشتر، و توجه به منافع ملی کشورهای این حوزه، دست قدرت‌های دیگر را در حوزه امنیتی و سیاسی منطقه کوتاه کنند.

۴- خاورمیانه

در مناطق مختلف ژئوپلیتیکی منطقه جنوب غرب آسیا به خصوص خاورمیانه از جایگاه ویژه‌ای در نظام بین‌الملل برخوردار است. این منطقه به دلیل دارا بودن حجم بزرگی از ذخایر نفت و گاز در استراتژی انرژی جهان، پایه‌های قدرت غرب در قرن بیست و یکم است.

از طرفی به لحاظ نظامی و استراتژیکی به دلیل واقع شدن بین اروپا و آفریقا و جنوب شرق و آسیا دارای چند نقطه استراتژیکی از جمله تنگه هرمز، باب‌المندب و کانال سوئز است که تسلط بر آنها مزیت نظامی و استراتژیکی ایجاد می‌کند. این امر در دوران جنگ سرد از چالش‌های دو ابرقدرت شوروی و آمریکا به شمار می‌رفت.

تسلط بر منابع و مسیرهای انتقال انرژی منطقه در ایفای نقش هژمونی جهانی آمریکا و کنترل بر روی رقبای اروپایی، ژاپن و چین از جمله دلایل اهمیت این منطقه پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد در سطح جهان است (اخباری، ۸۷:۴۷).

در این میان ایران به دلیل قرار گرفتن در این منطقه، همواره مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. منابع بزرگ فسیلی ایران در کنار موقعیت خاص ژئوپلیتیکی آن از جمله قرار گرفتن در طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا و حامیان اروپایی او و نیز به گفته جفری کمپ قرار گرفتن ایران در نقشه بیضی انرژی استراتژیکی جهان که در آن بیش از ۷۰ درصد از ذخایر نفت و بیش از ۴۰ درصد از گاز طبیعی جهان متمرکز شده است (کمپ، ۸۳:۱۹۱)، از جمله دلایل با اهمیت بودن ایران در خاورمیانه به شمار می‌آید.

روسیه هم با استراتژی خاص خود در زمان‌های مختلف و در دوران تزارها، شوروی کمونیستی، و نیز بعد از فروپاشی شوروی به ویژه پس از حوادث یازده سپتامبر همواره برای حفظ جایگاه سنتی خود در این منطقه برای برنامه‌های میان مدت و بلند مدت خود با انجام هر گونه تحولات منطقه، در پی کسب امتیاز از همتایان اروپایی و آمریکا و همچنین کشورهای منطقه است (ایزدی، ۸۵:۳۰). چنانچه این کشور در پی استراتژی نفت و گاز خود و بهره‌گیری از ظرفیت‌های انرژیکی بخصوص در زمینه گاز طبیعی که ۳۲ درصد از ذخایر اثبات شده گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد، پس از حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و تنش‌های موجود در خاورمیانه، سعی در جلب توجه

فرصت‌های مشترک ایران و روسیه در عرصه ژئوپلیتیک انرژی؛ وضعیت فعلی و چشم انداز ۸۵

مصرف کنندگان بزرگ به منابع نفت و گاز روسیه در جهت تقویت توان اقتصادی و تسریع در برنامه‌های توسعه، و استفاده از این وضع برای بهبود جایگاه خود در معاملات جهانی را در دستور کار قرار داده بود (میرترابی، ۸۴: ۲۰۴-۲۰۲)، تا از این طریق در حادثه پیش آمده، حداکثر بهره برداری را از خاورمیانه برده باشد.

در مجموع ایران و روسیه با توجه به موقعیت‌های خاص خود در زمینه انرژی در سطح جهان و منطقه می‌توانند با بهره‌گیری از این فرصت پیش آمده و رقابت مصرف کنندگان عمده برای کسب انرژی مانند آمریکا، اتحادیه اروپا و چین، به عنوان بازیگران اصلی خاورمیانه با همکاری مشترک در این زمینه، نقش پررنگ‌تری در سیاست جهانی خود داشته باشند. در این صورت هر گونه برنامه استراتژیک کشورهای فرامنطقه‌ای در خاورمیانه با برخورد مؤثر بازیگر اصلی در کانون خاورمیانه یعنی ایران و نیز قدرت بزرگ در حاشیه خاورمیانه یعنی روسیه همراه خواهد بود. در این میان موقعیت ایران به عنوان قدرت برتر در خلیج فارس - جایی که بیشترین ذخایر نفت و گاز جهان وجود دارد- برای ایجاد ارتباط روسیه با ایران در سیاست خاورمیانه‌ای آن کشور با اهمیت به نظر می‌رسد.

۵- ایران قدرت برتر خلیج فارس

حوزه خلیج فارس از شش کشور غربی یعنی کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات، عمان و به همراه ایران با در اختیار داشتن منابع غنی نفت و گاز یعنی ۵۷ درصد نفت (۷۱۵ میلیارد بشکه) از ذخایر قطعی جهان و نیز با داشتن مقام‌های دوم، سوم، چهارم و پنجم ذخایر غنی گاز جهان (ایران، قطر، عربستان، امارات) بعد از روسیه، اهمیت راهبردی در جهان دارد (نصری، ۸۴: ۲۱-۱۹).

ایران بزرگترین قدرت منطقه‌ای در خلیج فارس است که منافع ملی آن بر مسایل خلیج فارس تأثیر می‌گذارد. ایران به دلایل مختلف، قدرت برتر خلیج فارس است و آن را «حیات خلوت» خود می‌داند:

- ۱- ۶۰ درصد جمعیت حوزه خلیج فارس متعلق به ایران است.
- ۲- ایران از نظر نظامی از تمام کشورهای خلیج فارس قوی‌تر است و قدرت دریایی این منطقه نمی‌تواند با قدرت دریایی ایران مقابله کند.
- ۳- کل سواحل شمالی خلیج فارس، تنگه هرمز، دریای عمان و گوشه غربی اقیانوس هند

جزو قلمرو ایران است.

۴- ایران سرمایه‌گذاری بزرگ و سنگین در مناطق جنوبی خود انجام داده است.

۵- حدود ۱۶/۵ درصد ذخایر نفت و ۴۵/۳ درصد ذخایر گاز طبیعی حوزه خلیج فارس در اختیار ایران است (جعفری ولدانی، ۵۸:۸۲)

بنابراین با وجود این تمرکز منابع نفت و گاز جهان در خاورمیانه و به ویژه در حوزه خلیج فارس، چنین به نظر می‌رسد که کشورهای توسعه‌یافته، برای تأمین امنیت انرژی خود، سرمایه‌گذاری‌های بزرگی در پروژه‌های نفتی و گازی این منطقه انجام دهند، چرا که هزینه تولید در آنها پایین‌تر است در این صورت مناسب‌ترین مکان برای سرمایه‌گذاری در نفت و گاز حوزه خلیج فارس است (رحیمی، ۲۲۲:۸۸).

ایران با داشتن چنین موقعیتی در مرکز خاورمیانه همیشه توجه قدرت‌های فرامنطقه‌ای غرب و آمریکا را به خود جلب کرده است. از طرفی روس‌ها در ادوار تاریخی خود تاکنون، پس از انعقاد عهدنامه‌های گلستان و ترکمنچای با ایران از حالت تهاجمی خود دست برداشتند و در سیاست کلی خود در خلیج فارس در راستای وصیت نامه پطر کبیر فقط به زنده نگه داشتن حالت تهدید علیه منافع سایر دول اروپایی و یا آمریکا در منطقه اکتفا کردند (الهی، ۸۴:۲۴۰). بنابراین اقدامات روس‌ها برای دوستی با ایران و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های هسته‌ای بوشهر و نظایر آن در مناطق مختلف ایران در جهت تهدید منافع سایر کشورهای اروپایی و آمریکا در خلیج فارس و امنیت منطقه آن است که در نهایت این فرصت به برتری طبیعی قدرت روس‌ها در معادلات جهانی تأثیر می‌گذارد.

استراتژی انرژی و تصمیمات مشترک ایران و روسیه در سطح جهانی

در قرن بیست و یکم، اهمیت فزاینده نفت و گاز خلیج فارس و دریای خزر برای کشورهای ژاپن، چین و هند که همزمان با ظهور آنها در مقام بازیگران قدرتمند صحنه جهانی است، نقش مهمی در صحنه دیپلماسی انرژی کشورهای خاورمیانه دارد (کمپ، ۱۷:۸۳). همچنین قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند ایالات متحده که در سال‌های اخیر بیشترین هزینه‌ها را در این منطقه متقبل شده‌اند، خواهان سهم بیشتری در معادلات انرژی منطقه هستند. در این صورت بزرگترین قدرت منطقه‌ای بزرگترین مدعی خواهد بود. این نوع بازی برای کنترل منابع انرژی در جریان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۲م. باعث گردید آلمان به باکو حمله کند تا کنترل نفتی را برای مصارف

جنگی خود بدست بگیرد، در آن زمان سایر کشورها و قدرت‌های آن روز چنین اهدافی را در سر می‌پروراندند(ربیعی، ۸۴: ۱۸۲).

امروزه کشورهای تولیدکننده عمده نفت و گاز مانند ایران و روسیه با توجه به حضور رقبای قدرتمند فرامنطقه‌ای که هدفی جز کنترل راحت و ارزان این منابع را در سر ندارند، در برنامه‌ها و سیاست‌های کلان آینده خود پیش‌بینی همه جوانب را می‌کنند تا با اتخاذ سیاست‌های واقع‌گرایانه که همه ملاحظات سیاسی، اقتصادی و امنیتی را در بر داشته باشد، رعایت توازن را در استراتژی انرژی قدرت‌های فرامنطقه‌ای به آنها گوشزد کنند. از اینرو همکاری انرژی ایران و روسیه که دارای بزرگترین ذخایر نفت و گاز جهان‌اند، با حضور سیاسی و توأم با همکاری انرژی در کشورها و قاره‌های دیگر مانند حوزه آمریکای لاتین می‌تواند در پیشبرد اهداف آنها مبنی بر کنترل منابع انرژی خود و مقابله با هژمونی ایالات متحده، راهبرد منطقی تلقی گردد. این نوع همکاری در زمینه انرژی فسیلی موجب گسترش روابط دو کشور در سال‌های آینده می‌شود. علاوه بر آن ایران و روسیه با هدف مقابله با هژمونی ایالات متحده در منطقه و تکمیل پروژه‌های هسته‌ای ایران به صورت جدی روابط خود را گسترش دادند. نگاه عمیق به این نوع همکاری‌ها و اتصال آن در سطوح امنیت داخلی، منطقه‌ای و جهانی و برقراری توازن میان آنها تا حد زیادی وابسته به تصمیمات آینده ایران و روسیه در این زمینه‌ها می‌باشد:

۱- حوزه آمریکای لاتین

هفت مجموعه امنیتی منطقه‌ای از نظر دوستی - دشمنی، طیفی از تغییرات را پوشش می‌دهند. چهار مجموعه در برگیرنده منازعات‌اند: خاورمیانه، شاخ آفریقا، غرب آفریقا و جنوب آسیا. از نظر قطبش، چند قطبی در داخل خود می‌باشند. دو منطقه آفریقای جنوبی و غربی عناصری از شکل‌گیری منازعه و رژیم امنیتی را همزمان دارند. یک منطقه دیگر آمریکای جنوبی دارای رژیم امنیتی بوده که برای تبدیل شدن به یک اجتماع امنیتی (بخصوص در مخروط جنوبی) علایمی را از خود بروز داده است. در برخی موارد، متغیر قدرت (قطبش منطقه‌ای) آشکارا نقطه آغازین هر نوع تبیین است. مثلاً روسیه، آفریقای جنوبی، نیجریه و ایالات متحده آمریکا به اندازه‌ای بر منطقه خود مسلط‌اند که یک مجموعه تک قطبی یا مرکزدار محتمل‌ترین گزینه است (بوزان، ۸۸: ۲۳۱-۲۳۰).

منطقه آمریکای لاتین به نظر بوزان که در سال ۱۹۸۴ از قانون صلح و همکاری پیشنهاد شده که

توسط گروه کونتا دورا حمایت شده است شامل دولت‌های اصلی آمریکای لاتین و هم مرز حوزه کارائیب یعنی کلمبیا، مکزیک، پاناما، ونزوئلا و بعدها آرژانتین، برزیل، پرو و اروگوئه می‌باشد (همان، ۱۵۸). این منطقه در سال‌های اخیر در حال یک اجتماع امنیتی است یعنی در صورت ارتباط داشتن با یکی از دولت‌های آن می‌توان با سایر دولت‌های این حوزه ارتباط مثبت برقرار کرد. تلاش ایران و روسیه برای نزدیک شدن بیشتر در این منطقه یکی از دغدغه‌های آنها در سیاست خارجی شان می‌باشد که با اهداف خاص دنبال می‌گردد. ضرورت‌های استراتژی تعامل سازنده ایران با توجه به تهدیدات خود که عموماً با ایالات متحده آمریکا و هم پیمانان نزدیکش گره خورده، فرصت‌هایی را در حوزه جغرافیایی سایر نقاط دنیا برای آن به وجود آورده است که به بهره‌گیری از روش‌هایی که در درون آن مصالحه‌گرایی وجود دارد، با ضرورت‌های استراتژیک مناطق حاکم در دنیا از جمله آمریکای لاتین برنامه‌های خود را تنظیم می‌کند. ایران با گسترش همکاری با کشورهای این حوزه در زمینه‌های اقتصادی که چندان سودی هم برای آن ندارد، در پی تلاش برای مقابله با هژمونی آمریکا و تعادل در رفتار آن بوده و حتی از سرمایه‌گذاری‌های بدون بازده هم در حیات خلوت آمریکا دریغ نمی‌کند. نمونه چنین سیاستی همکاری گسترده با ونزوئلا (از بنیان اوپک و فعال در آن که دارای ذخایر بزرگ نفت و گاز است) و بولیوی است.

روسیه هم با به قدرت رسیدن پوتین، برای مقابله با هژمونی ایالات متحده راه‌های گوناگونی را برای به چالش کشیدن نظام تک قطبی دلخواه آمریکا و دور کردن ایالات متحده از حوزه ژئواستراتژیک خود به نام «خارج نزدیک» تجربه کرده است. از جمله این موارد تشکیل «سازمان همکاری شانگهای»، جنگ گرجستان و ناامین ساختن انتقال انرژی غرب در این منطقه و ... (امیدی، ۶۴:۸۷). اما یکی از اقدامات روسیه در راستای رویارویی با غرب و ایالات متحده، فرستادن ناوهای جنگی و بمب افکن‌های استراتژیک روسیه به مناطق دور دست از جمله آمریکای لاتین و حوزه آب‌های ونزوئلا بود (بی.بی.سی. فارسی، ۲۲/۴/۸۸). هدف اصلی روسیه، نه آغاز جنگ سردی تازه و نه اقدامی در راستای تهدید بالقوه و بالفعل منافع سیاسی، اقتصادی و امنیتی غرب بود، بلکه بیش از هر چیز فهماندن این نکته مهم به آمریکایی‌ها بوده است که از این پس باید نقش روسیه را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و جهانی بپذیرند و همچنین منافع و مصالح این کشور را در مناطق پیرامونی آن در نظر بگیرند (امیدی، ۶۷:۸۷).

این نوع حرکت‌های روسیه در جهت پشتیبانی از دولت‌های آمریکای لاتین در مقابله با هژمونی آمریکا در آن منطقه باعث شد که پس از جنگ گرجستان و شناسایی استقلال دو منطقه آبخازیا و اوستیای جنوبی، دو کشور ونزوئلا و نیکاراگوئه از حوزه آمریکای لاتین بلافاصله استقلال آنها را به رسمیت بشناسند (خبرگزاری «ریانووستی»، ۱۳/۶/۱۳۸۷). این در حالی است که سایر دولت‌ها از جمله دولت‌های غربی و آمریکا این عمل روسیه را مغایر با کنوانسیون‌های سازمان ملل می‌دانستند. به هر صورت ایران و روسیه بنا به دلایل خاص خود در مقابله با هژمونی آمریکا در اطراف مناطق استراتژیک خود، با توجه به داشته‌های غنی نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن، پا را فراتر گذاشته و در حوزه امنیتی و ژئواستراتژیک ایالات متحده دست به اقداماتی زده‌اند که هدفی به جز انداختن توپ به زمین حریف نبوده است. در این صورت آنها می‌خواهند به حداقل نتیجه برسند یعنی در حوزه‌های امنیتی منطقه خود به عنوان یک مرکز در نظام بین‌الملل شناخته شوند.

۲- مقابله با استراتژی هژمونی آمریکا

مطابق دکترین نظم نوین جهانی، ایالات متحده پس از فروپاشی شوروی و نظام دو قطبی، جهان را تابع یک نظم سلسله‌مراتبی می‌داند که آمریکا تنها ابرقدرت جهانی تلقی شده و سایر کشورها به قدرت‌های بزرگ، منطقه‌ای، متوسط، کوچک و در نهایت ذره‌ای تقسیم می‌شوند (ستاری، ۴۳:۸). در این صورت آمریکا چون قدرت هژمونیک را در نظام جهان دارد، تلاش می‌کند با دخالت‌های خود در سایر کشورها و مناطق جهان بر شکل‌دهی ساختار و مبادلات قدرت خود قوت ببخشد (سیف‌زاده، ۸۰:۲۲۱).

یکی از اهداف آمریکا در حوزه‌های امنیتی ایران و روسیه است. آمریکا با افزایش بحران‌های منطقه (در عراق، افغانستان، گرجستان، انقلاب‌های رنگین و ...) برای ایجاد دولت‌های دست‌نشانده، در پی افزایش ستیز و فشار به دولت ایران و روسیه و نیز بحث امنیت انرژی است (محمدی، ۱۷۹:۸۴). آمریکا با همکاری هم‌پیمانان و شرکای تجاری خود و نیز تولیدکنندگان انرژی، سعی در برقراری امنیت انرژی منطقه دارد. او به گفته خود می‌خواهد زمینه شکوفایی اقتصادی جهان را فراهم سازد. اشغال عراق و تهدید ایران به حمله نظامی در این راستا می‌باشد (مشرقی، ۱۸۷:۸۷). امری که به بهانه مبارزه با تروریسم به موقعیت هژمونیک ایالات متحده در نظام بین‌الملل ثبات می‌بخشد. حتی تغییر تاکتیک احتمالی (تغییرات) در دوران باراک

اوباما نیز خارج از چارچوب مبارزه با تروریسم صورت نمی پذیرد (گوهری مقدم، ۸۷: ۲۷۷).

از آنجا که این گونه رفتار ایالات متحده خواسته یا ناخواسته در اطراف منابع انرژی دنیا به خصوص در حوزه دریای خزر و خلیج فارس صورت می گیرد، منجر به واکنش یک قدرت منطقه‌ای یعنی ایران و قدرت بزرگ نامتقارن و در همسایگی ایران یعنی روسیه می گردد. جایی که هدف آمریکا محدود کردن روسیه و فشار بر ایران در اولویت برنامه‌ای آن قرار دارد. نمونه آن در جنگ گرجستان با روسیه به وضوح دیده می‌شد. آمریکا در ۷ سپتامبر ۲۰۰۸ یک ناو جنگی را به بهانه کمک بشردوستانه در ۱۰ کیلومتری محل استقرار نیروهای روسی و در آب‌های گرجستان فرستاد. به گفته دیگ چنی، روسیه می‌خواست با حمله به گرجستان، نفت و گاز خود را همچون ابزاری سیاسی به کار گیرد. وی افزود روسیه با فروش جنگ‌افزارهای پیشرفته به سوریه و ایران، می‌خواهد چشم‌انداز صلح در خاورمیانه را تیره و تاریک کند. وی مدعی شد استقرار سامانه پدافند موشکی آمریکا در لهستان و جمهوری چک با هدف پاسداری غرب در برابر حمله کشورهای خاورمیانه از جمله ایران است و خطری برای روسیه ندارد. چنی گفت آمریکا در ابتدا می‌خواست این طرح با همکاری روسیه به اجرا درآورد، اما روس‌ها این پیشنهاد را با پرخاشگری پاسخ دادند (امیراحمدیان، ۸۷: ۹۷). در اینجا به خوبی روشن است که هدف روسیه به گفته کارشناس آمریکا، به کار گرفتن اهرم نفت و گاز در سیاست خارجی و جلوگیری از هژمونی آمریکا در جهان یا حداقل در حوزه ژئواستراتژیک روسیه می‌باشد.

روس‌ها که خود را وارث اتحاد جماهیر شوروی می‌دانند، نمی‌خواهند کشوری عادی و دور از بازی‌های ژئوپلیتیکی در نظام بین‌الملل باشند. از نظر رهبران روسیه، حوزه نفوذ سنتی اتحاد جماهیر شوروی نخستین سنگر پدافندی برای پاسداری از امنیت ملی روسیه است. روس‌ها سامانه پدافند موشکی در اروپای خاوری از سوی آمریکا را مرزبندی میان اروپا و روسیه می‌دانند و آن را سرپوش گذاشتن برخواست واقعی آمریکا و یک جانبه‌گرایی آن می‌دانند (رومی، ۸۷: ۱۲۷). در این باره دیمتری مدودف گفت: چنانچه سامانه موشکی در اروپای شرقی برچیده نشود ما هم موشک‌های اسکندر را در کالین گراد استقرار خواهیم داد (شبکه اول ایران، ۲۲/۴/۸۸). از همین رو بود که مسکو در پی واکنش و دامن زدن به واگرایی در جهان غرب از اهرم انرژی استفاده کرد. پوتین در این باره گفته است: روزی تزار با نیروهایش می‌رفت و غرب را می‌گرفت و ما امروز با گاز و خط لوله آن را می‌گیریم (کوزه گر کالجی، ۸۷: ۱۰۶).

در همین راستا است که ایران به عنوان متحد جدی روس‌ها، در پی مقابله با هژمونی آمریکا از اقدامات و تلاش‌های روسیه در این زمینه حمایت می‌کند. ایران با آگاهی از هدف آمریکا برای براندازی حکومت انقلابی آن کشور، در سال‌های اخیر همواره تلاش می‌کرد با سیاست نگاه به شرق و استفاده از دیپلماسی گفتگو، از نزدیکی با سایر قدرت‌ها از جمله روسیه به عنوان یک متحد استراتژیک قوی در مقابل آمریکا استفاده کند. البته استفاده از درآمدهای نفت و گاز و بازی دیپلماسی انرژی در پیشبرد اهداف ایران برای ارتباط نزدیک با روسیه نقش بزرگی داشت. امروز این همکاری‌ها در زمینه‌های مختلف ادامه دارد.

۳- انرژی هسته‌ای

در جهان امروز، انرژی عاملی راهبردی است و بیشتر کشورهای جهان به ویژه آن‌ها که به دنبال اعمال اراده قدرت خود بر دیگر کشورها هستند، از همین درجه به مقوله انرژی می‌نگرند. ایران و روسیه به دلیل دارا بودن ذخایر عمده نفت و گاز که یکی از اصلی‌ترین منابع انرژی در سطح جهان است، جایگاه ویژه‌ای در نظام سرمایه‌داری جهان به عنوان موتور محرکه اقتصاد و تولید ملی دارند. روسیه بر اساس دکترین نظامی خود مدعی است که به عنوان یک قدرت بزرگ در حوزه‌های شوروی سابق و در مجاورت مرزهای روسیه با هم پیمانان خود (البته نه به عنوان یک ابر قدرت در سطح جهان) به تهدیدات نظامی و امنیتی خود پاسخ منطقی می‌دهد (محمدی، ۱۱۱:۸۴). این امر نشان می‌دهد آن کشور علاوه بر ذخایر طبیعی و معدنی قوی از جمله نفت و گاز، طلا و الماس و ... دارای زرادخانه غنی سلاح‌های هسته‌ای و یک قدرت اتمی است و توانایی صدور خدمات فن آوری هسته‌ای را دارد و جزء چند تولیدکننده اسلحه جهان و دارای فن آوری پیشرفته هوایی - فضایی است که امکان صادرات این نوع فن آوری و خدمات مهندسی در سطح جهان را دارد (امیراحمدیان، ۷۲:۸۴).

امروزه اگر چه تکنولوژی هسته‌ای در حوزه‌های مختلف اقتصادی مانند انرژی، کشاورزی، داروسازی و بخش‌های دیگر صنعتی در حال استفاده و توسعه است و طبق قواعد و مقررات بین‌المللی استفاده از این تکنولوژی حق همه کشورها است، اما توسعه انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز و انرژی هسته‌ای برای ساختن سلاح هسته‌ای، بسیار به هم وابسته‌اند؛ هر چند دولت‌ها توافق کنند از انرژی هسته‌ای در تولید بمب استفاده نکنند، هیچ تضمینی در این زمینه وجود ندارد (هاشمی، ۸۵: ۲-۵).

روسیه با این حال به علت شرایط خاص حاکم بر اقتصاد بیمار و ضعیف به ارث رسیده از شوروی سابق با همه مخالفت‌های جهانی و حتی قبول برخی از اظهارات نگران‌کننده همتایان اروپایی نسبت به خود، از فروش فن‌آوری هسته‌ای به برخی از کشورها از جمله ایران علاوه بر سود اقتصادی، به عنوان برگ برنده بازی در مقابل بازی‌های قدرت‌های جهانی استفاده می‌کند. این کشور از ایران به عنوان متحد استراتژیک خود در خاورمیانه حمایت می‌کند و حتی در ساخت و تجهیز پروژه‌های هسته‌ای ایران از جمله بوشهر همکاری می‌کند. استراتژی‌ای که ایالات متحده و برخی حامیان اروپایی آن، به عنوان شکاف بزرگ در مبارزه جهانی با تروریسم و گسترش نفوذ اسلام در مقابل ایران می‌پندارند و سخت با آن مخالفت می‌کنند. در این باره در جریان سفر باراک اوباما به روسیه در سال ۲۰۰۹ میلادی، وی اظهار داشت استقرار سامانه موشکی آمریکا در اروپای شرقی به منظور مقابله با خطر هسته‌ای شدن ایران و تلاش‌های این کشور برای دستیابی و استفاده از سلاح‌های اتمی است. دیمیتری مدودف در پاسخ به سخنان اوباما گفت: کشورش مناسبات و همکاری‌ها با ایران را با وجود اختلاف نظرها با آمریکا ادامه می‌دهد و مانعی برای ادامه فعالیت‌های برنامه هسته‌ای آن کشور با ایران نمی‌بیند (کیهان، ۱۷/۴/۸۸: ۱۴).

با تمام آنچه گفته شد، «ایران دارای جایگاه منطقه‌ای و ژئوپلیتیکی مهمی در نگاه روسیه است. ایران از مناطق مورد توجه روسیه در آسیاست که می‌تواند نقش ثبات‌دهنده و بی‌ثبات‌کننده در آسیای مرکزی و قفقاز داشته باشد» (هاشمی، ۸۵: ۸۰). این نقش ایران در نگاه روسیه غیر قابل چشم‌پوشی است. روسیه و ایران با هدف مشترک در استراتژی انرژی به ویژه در برنامه‌های هسته‌ای ایران در مقابل هژمونی آمریکا و برقراری نوعی توازن قدرت با آن برای کسب امتیاز از غرب و آمریکا تلاش می‌کنند. استراتژی مشترک آنها نه در حد منطقه‌ای، بلکه تأثیرات زیادی در سطح جهانی دارد. با استقرار سامانه پدافند موشکی در جمهوری چک و لهستان در سال ۲۰۰۸م، که با هدف مقابله با حملات احتمالی ایران مسلح به موشک‌های بالستیک با کلاهک اتمی در برابر آمریکا و هم‌پیمانان غربی آن می‌باشد (رومی، ۸۷: ۱۳۱)، می‌توان ابعاد جهانی این نوع همکاری را تصور کرد.

همکاری در سازمان‌های بین‌المللی تأثیرگذار در انرژی

جذب سرمایه برای افزایش ظرفیت تولید نفت و گاز برای پاسخگویی به افزایش بلندمدت تقاضا در جهان، در هنگام کاهش بهاء آن نه تنها به زیان اقتصاد کشورهای تولیدکننده نفت و گاز است، بلکه سرمایه‌گذاری در این صنعت را تهدید می‌کند. مثلاً کاهش درآمد کشورهای

صادرکننده نفت، اصلی‌ترین مشکل آنها نیست. کاهش سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و ناتمام ماندن پروژه‌هایی سنگین که فقط در زمانی ارزشمند است که بر پایه قیمت‌های بالای نفت آغاز می‌شود، خطری بزرگ‌تر را در صنعت نفت پدید می‌آورد.

کاهش رشد سرمایه‌گذاری کشورهای عضو اوپک در پروژه‌های نفتی، در دو دهه آینده پس از بهبود اوضاع اقتصاد جهان (بحران مالی کنونی) و نیز افزایش تقاضا برای نفت و گاز، بحران عرضه انرژی را به دنبال می‌آورد. بنابراین روند کاهش اخیر قیمت‌های نفت چنانچه ادامه پیدا کند، باعث تأخیر یا توقف بسیاری از پروژه‌های نفت و گاز در سراسر جهان خواهد شد. و در پی آن بهای نفت و گاز را در آینده افزایش می‌دهد (رحیمی، ۸۸: ۲۲۰).

از طرفی بحران اقتصادی جهان در سال ۲۰۰۹ میلادی از مرزهای آمریکا و اروپا گذشته و دست‌های ویرانگر آن دامن اقتصادی چین، ژاپن و روسیه را نیز گرفته است. شنیدن سقوط سهام بانک‌ها، شرکت‌ها و صنایع بزرگ از بازار بورس «وال استریت» و «بارکلیز دوسوت» تا پکن، توکیو، کوالالمپور، تهران و دبی تقریباً عادی شده است (قراگوزلو، ۸۸: ۲۳۰). البته ایران چون عضو سازمان تجارت جهانی نیست و ملزم به رعایت مقررات این سازمان نخواهد بود، بنابراین نسبت به اعضای این سازمان آسیب کمتری خواهد دید (لشکری، ۸۸: ۲۴۸). در این میان ایران و روسیه بنا به دلایل ذکر شده و نیز از آنجا که بازار نفت و گاز یک بازار بین‌المللی، بسیار بزرگ، پیچیده و رنگارنگ است و شمار بازیگران با گرایش‌های ملی، اقتصادی یا بازرگانی، در آن چشمگیر است و متغیرهای بسیاری می‌توانند بر این بازار اثر گذارند، در این راستا همکاری در داده‌ها و اطلاعات درباره بازار و هماهنگی بیشتر میان عرضه و تقاضا در سازمان‌های بین‌المللی تأثیرگذار در انرژی مانند اوپک و اوپک گازی، می‌تواند آنها را از آسیب‌های احتمالی مصون نگه دارد، یا به حداقل برساند:

۱- همکاری در اوپک

نفت یک کالای اقتصادی است. «نفت عامل چرخش اقتصادی جهانی، چه در ایالات متحده، چه در چین، روسیه، هند یا ... است. از همین رو، بهای کالای دیگری به اندازه بهای نفت دارای اثر جهانی نیست و این اثر فزاینده است (مسرت، ۸۷: ۵۴). امروزه کشورهای تازه‌وارد به جرگه درخواست‌کنندگان بزرگ نفت، مانند هندوستان و چین، به عنوان خدمات متقابل در برابر امتیاز استخراج نفت، پیشاپیش در تأسیسات زیربنایی، بهداشتی و آموزشی کشورهای نفت‌خیز

سرمایه‌گذاری می‌کنند. سرمایه‌گذاری چین در نیجریه، آنگولا و سودان در این راستا می‌باشد. چین و هند با چشم و هم‌چشمی برای بدست آوردن دل عرضه‌کنندگان، نظام انحصاری تقاضای نفت را به سود کشورهای نفت‌خیز در هم ریختند (همان، ۶۲). از اینرو کشورهای صادرکننده نفت با بدست گرفتن امتیاز نفت خود، از فشار سیاسی کشورهایمانند ایالات متحده، اتحادیه اروپا و ژاپن تا حدودی آزاد شدند. تنها ابزاری که برای آمریکا برای نگهداری و چیرگی سیاسی کشورهای نفت‌خیز وجود دارد، ابزار نظامی است (همان، ۶۳).

اگرچه ادعای جدید آمریکا در سال ۲۰۰۹ میلادی استفاده از قدرت هوشمند است، ولی همچنان استفاده از قدرت نظامی را کنار نگذاشته است. کشف ذخایر جدید انرژی در حوزه خزر و تقویت دیدگاه ژئواکونومیک در سال‌های پس از فروپاشی شوروی و استفاده از اصطلاحاتی مانند بیضی استراتژیک انرژی در جهت‌گیری ذهن کارشناسان برای اهداف پنهانی طرح خاورمیانه بزرگ و بعد اقتصادی آن قابل تأمل است (قالیاف، ۸۷:۵۷). اصولاً هدف اصلی از ایجاد سازمان کشورهای اوپک در زمینه اقتصادی بوده که موجب شد قیمت نفت به تدریج به کنترل آنان درآید. سازمان اوپک با ۱۳ عضو، دارای عملکردی منفی است. نبود وحدت نظری و عملی در میزان تولید نفت، میزان قیمت، میزان سهمیه‌بندی و ... به همراه غلبه تفکر سیاسی بر تفکر اقتصادی در روابط بین اعضا از مشکلات اوپک می‌باشد (ماهنامه اقتصادی، ۸۳).

پس از فروپاشی شوروی، ضریب انحصاری اوپک کاهش یافته و کشورهای که حدود ۶۳ درصد نیازهای نفت جهان را تأمین می‌کردند اکنون حدود ۳۷ درصد تولید نفت را در اختیار دارند. اوپک نیاز به خانه تکانی دارد. اعضای کوچک اوپک دیر یا زود این سازمان را ترک می‌کنند یا میزان اثرگذاری و مشارکت آنها به حداقل می‌رسد. اوپک در نهایت از چند تولیدکننده بزرگ خلیج فارس و احتمالاً ونزوئلا تشکیل خواهد شد. این سؤال پیش می‌آید آیا اوپک تقاضای همکاری سایر کشورهای بزرگ تولیدکننده مانند روسیه را برای عضویت می‌پذیرد؟ روسیه با تولید ۸/۵ میلیون بشکه در روز و مقام دوم تولید نفت در جهان، با داشتن شرکت‌های بزرگ نفتی با توجه به اینکه قدرت بزرگ جهان است، در صورت عضویت و همکاری با اوپک می‌تواند نقش تأثیرگذاری بر قیمت نفت و به تبع آن تأثیر مستقیمی بر روی درآمد کشورهای نفت‌خیز داشته باشد. ایران به عنوان یکی از اعضای مؤسس و فعال در اوپک در صورت فعال بودن دیپلماسی انرژی می‌تواند در کنار خواسته‌های معقول خود از روسیه در

زمینه گسترش همکاری‌های انرژی در بخش‌های مختلف، به وضعیت اقتصادی خود سر و سامان دهد. روسیه نیز از عضویت و یا همکاری از طریق ایران با سایر اعضای اوپک به خواسته خود یعنی استفاده از ابزار انرژی در سیاست خارجی خود در مقابل همتایان اروپایی و آمریکا به امنیت دلخواه خود خواهد رسید.

۲- همکاری در اوپک گازی

ایده تشکیل اوپک گازی در بهمن ماه سال ۱۳۸۵ تقریباً نهایی گردید. در دیدار رییس شورای امنیت فدرال روسیه ایگور ایوانف با آیت‌الله خامنه‌ای رهبر ایران، ایشان با اشاره به وجود نیمی از ذخایر گاز جهان در دو کشور ایران و روسیه گفته بودند: «دو کشور با کمک یکدیگر می‌توانند بنای سازمانی همچون اوپک را در زمینه گاز بگذارند» (سایت فرارو، ۱۳۸۵). اما اوپک گازی با همه کش و قوس‌های مختلف چه در سطح منطقه و بین‌المللی بالاخره تشکیل شد. اوپک گازی، نام سازمان جدیدی است که به منظور هماهنگی تولید و کنترل قیمت‌ها در بازار جهانی در شرایط افت شدید قیمت نفت در جهان توسط ایران، روسیه و قطر در «مجمع کشورهای صادرکننده گاز» (GFCF3) و تولیدکننده عمده گاز در جهان در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۸ تشکیل شده است. برگزاری نشست کشورهای صادرکننده گاز در مسکو و تشکیل اوپک گازی با مشارکت ۱۲ کشور صادرکننده گاز، جایگاه تازه‌ای را برای گاز طبیعی در سبد انرژی جهان رقم زد. وزیر انرژی روسیه در پایان این نشست گفت «امروز سازمان جدیدی به دنیا آمد و اساسنامه آن نیز تصویب شد و مقرر اصلی این سازمان در کشور قطر خواهد بود». تشکیل اوپک گازی به معنای هماهنگی کشورهای تولیدکننده گاز برای تنظیم مناسبات میان اعضا و بازار مصرف‌کنندگان است. انتظار می‌رود قیمت جهانی گاز به عنوان یک ابزار اقتصادی و سیاسی مهم به طور قابل توجهی افزایش یابد (ر.ک. سایت مردمک، بی‌تا). از ابتدای تشکیل آن برخی کشورهای مصرف‌کننده از جمله آمریکا و اتحادیه اروپا با آن مخالفت کردند. مخالفت آنها با تشکیل اوپک گازی ریشه در نگرش آنها نسبت به اوپک نفتی دارد. آنها می‌هراسند که با تشکیل اوپک گازی، کارتلی مشابه اوپک نفتی به وجود آید که قیمت‌ها را در سرتاسر جهان کنترل و به میل خود تنظیم کند (ر.ک. سایت سرمایه، بی‌تا). همچنین مصرف‌کنندگان گاز ضمن ترس از استفاده ابزاری از گاز توسط روسیه و ایران در جهت فشار سیاسی به غرب و آمریکا، خواهان تعیین قیمت گاز در بازار آزاد هستند. به گفته ناتو «تشکیل اوپک گازی تنها اهداف سیاسی را دنبال

می‌کند.» (ماهنامه اقتصادی، ۸۳). در این باره کشورهای بنیانگذار اوپک گازی از جمله ایران و روسیه ضمن هماهنگی با گفته‌های خود در سیاست خارجی، باید این ادعا را رد کرده و هدف از تشکیل این نهاد را فقط تأمین عرضه مطمئن منابع انرژی برای مصرف‌کنندگان و هماهنگی میان صادرکنندگان اعلام کنند. اما علاوه بر این، مشکلاتی در این راه وجود دارد:

۱- وجه تمایز هر یک از اعضا و عدم همکاری: روسیه بر روی شبکه انتقال گاز خود سرمایه‌گذاری می‌کند، قطر در تلاش برای تبدیل شدن به بزرگترین صادرکننده گاز مایع در جهان است.

۲- وارد کردن گاز در ایران به دلیل کمبود سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت گاز و افزایش تقاضای داخلی آن.

۳- برخلاف نفت، انتقال گاز به زیرساخت‌هایی با هزینه‌های بیشتر احتیاج دارد.

۴- اوپک گازی تحت تأثیر شرایط روز بازار برای تصمیم‌گیری سریع در بازار نمی‌تواند تولید خود را کاهش دهد، زیرا همه کشورهای تولیدکننده گاز طبیعی، قراردادهای بلندمدت با قیمت‌های معین و حجم مبادلات مشخص نسبت به صدور گاز خود اقدام کرده‌اند.

۵- ترانزیتی بودن و نیاز به ترانزیت لوله انتقال گاز در کشورهای صادرکننده.

در چنین شرایطی سیاست تنظیم شده برای تعیین قیمت بین اعضا بسیار سخت خواهد بود. به هر صورت همکاری ایران و روسیه علاوه بر بعد اقتصادی آن می‌تواند زمینه‌ساز همگرایی‌های آینده منطقه‌ای و بین‌المللی شود به گونه‌ای که یک قطب مهم اقتصادی و سیاسی در منطقه و جهان گردند. همکاری ایران و روسیه در اوپک گازی می‌تواند در آینده به دگرگونی ژئوپلیتیک و حتی نقشه استراتژیک جهان بیانجامد، و نقش قدرت‌های اقتصادی جهان را کم‌رنگ‌تر کند. بی‌گمان در چنین شرایطی با ایستادگی جدی مصرف‌کنندگان و یا حداقل نگرانی آنها رو به رو خواهند شد. وضعی که خوشایند خریداران بزرگ گاز نیست.

در این رابطه اروپا به عنوان یکی از بزرگترین مصرف‌کنندگان گاز جهان که گاز آن توسط روسیه تهیه می‌شود، در سال ۲۰۰۹ میلادی طی نشست با نمایندگان ۱۳ کشور احداث خط لوله نواکو را با هدف رساندن گاز آسیای مرکزی و خاورمیانه از طریق ترکیه به اروپا، در آنکارا به امضا رساندند. این در حالی است که ایران با فشار آمریکا به عنوان غایب بزرگ این طرح کنار

فرصت‌های مشترک ایران و روسیه در عرصه ژئوپلیتیک انرژی؛ وضعیت فعلی و چشم انداز ۹۷

زده شده است. روسیه هم فقط نظاره گر آن می‌باشد(بی.بی.سی. سی ۲۲/۴/۸۸). اروپا با متنوع کردن لوله‌های خود می‌خواهند از فشار احتمالی اوپک گازی و دو عضو اصلی آن یعنی ایران و روسیه، برای آینده خود برنامه‌ریزی کند.

جدول ۳- ذخایر ثابت شده نفت و گاز برخی از کشورها و درصد آن‌ها به کل جهان در پایان سال ۲۰۰۷

کشور	حجم ذخایر نفت (میلیارد بشکه)	درصد ذخایر جهان	حجم ذخایر گاز (تریلیون متر مکعب)	درصد ذخایر جهان
عربستان	۲۶۴/۳ رتبه اول	۲۱/۹	۸/۱۷ رتبه چهارم	۴
ایران	۱۳۸ رتبه دوم	۱۱/۴	۲۷/۸۰ رتبه دوم	۱۵/۷
عراق	۱۱۵ رتبه سوم	۹/۵	۳/۱۷ مشخص نیست	۱/۸
کویت	۱۰۱/۵ رتبه چهارم	۸/۴	۱/۷۸ مشخص نیست	۱
امارات	۹۷/۸ رتبه پنجم	۸	۶/۰۹ رتبه پنجم	۳/۴
روسیه	۷۹/۵ رتبه ششم	۶/۵	۴۴/۶۵ رتبه اول	۲۵/۲
لیبی	۳۶ رتبه هفتم	۳	۱/۵۰ رتبه دوازدهم	۰/۸
قطر	۵/۶ مشخص نیست	۰/۵	۲۵/۶۰ رتبه سوم	۱۴/۴
جهان	۱۲۰۸/۲	۱۰۰	۱۷۷/۳۶	۱۰۰

منبع: (نشریه آماری شرکت BP، ۲۰۰۸)

جدول ۴- میزان تولید نفت و گاز برخی از کشورها و درصد آنها به کل جهان در پایان سال ۲۰۰۷

کشور	حجم تولید نفت (میلیارد بشکه در روز)	درصد تولید جهان	حجم تولید گاز (میلیارد متر مکعب در سال)	درصد تولید جهان
عربستان	۹/۸ رتبه اول	۱۲/۸	۷۶ رتبه هفتم	۲/۶
روسیه	۸/۵ رتبه دوم	۱۱/۴	۷۹۰/۲ رتبه اول	۲۶/۸
آمریکا	۷/۵ رتبه سوم	۹/۲	۵۴۶ رتبه دوم	۱۸/۸
ایران	۳/۹ رتبه چهارم	۵/۱	۱۱۲ رتبه چهارم	۳/۸
نروژ	۳/۳ رتبه هفتم	۴/۵	۹۰ رتبه پنجم	۳
کانادا	۱/۷ دقیق نیست	۲/۳	۱۸۳/۷ رتبه سوم	۶/۲

منبع: (نشریه آماری شرکت BP، ۲۰۰۸)

نتیجه گیری

در حوزه تمدنی و منزلت قدرت، روسیه قدرت نامتقارن جهان و دارای خصوصیات مشابه کشورهای شمال است. ایران از لحاظ منزلت راهبردی و حوزه انتقال ارتباطات جهانی به عنوان شریک راهبردی روسیه، مورد نظر استراتژیست‌های قدرت‌های بزرگ است. با آگاهی از این دو منزلت فرهنگی و تمدنی، هر دو کشور ناراضی از نظام سلسله مراتبی موجود، خواهان نظامی چند قطبی در جهان هستند. همگرایی ایران و روسیه در پی یافتن جایگاهی مناسب در عرصه بین الملل، نیاز به همکاری راهبردی و نه تاکتیکی نسبت به یکدیگر دارد. روسیه با القای ذهنیت ایران نسبت به پایداری ایدئولوژیک خود، امیدوار به تعهد آن در زمینه‌های مشترک است. ایران هم با جدایی از غرب و نزدیکی با روسیه که تاوان‌های سنگین اقتصادی و فرهنگی داده با تأکید بر منافع ملی خود، روسیه را به بازخوانی رویکرد خود نسبت به ایران وادار می‌کند. در این راستا، ایران و روسیه به عنوان بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر انرژی (نفت و گاز) و همچنین تولیدکنندگان بزرگ آن در جهان، برای تشکیل یک سیستم واحد انرژی نیاز به استراتژی انرژی مشترک دارند.

آنها به دلیل اهمیت در امنیت انرژی و اقتصادی کشورهای بزرگ مصرف‌کننده، در صورت یک

استراتژی صحیح مشترک، می‌توانند به بزرگترین مرکز انرژی در جهان تبدیل شوند. آنها می‌توانند شرایطی را در جهت همگرایی مطلوب اقتصادی خود در سطح جهان ایجاد کنند که در کلیه مناقشه‌های نظامی، اقتصادی، ژئوپلیتیکی، منطقه‌ای و جهانی تأثیرگذار باشند. گسترش همکاری‌های دو جانبه و تهیه مدل‌های علمی تولید، انتقال، تهیه و اجرا در زمینه‌های نفت و گاز، همکاری‌های منطقه‌ای در حوزه‌های مختلف ژئوپلیتیک انرژی از جمله حوزه آبی دریای خزر، خلیج فارس و حوزه‌های آسیای مرکزی، قفقاز و نیز خاورمیانه در کنار همکاری در سازمان‌های بین‌المللی و تأثیرگذار در انرژی مانند اوپک و اوپک گازی موجب افزایش همکاری‌های مشترک در سطح جهان برای مقابله هژمونی آمریکا در سطح منطقه و پاسخ به تهدیدات در حوزه‌های امنیتی آنها می‌گردد. ضمن آنکه در صورت یک همکاری همه جانبه انرژی می‌تواند اقتصاد جهان را تحت تأثیر قرار داده و حتی در آینده موجب دگرگونی ژئوپلیتیک و نیز تغییر نقشه استراتژیک جهان به دلخواه خود را پی‌ریزی کنند.

این برآوردها در صورتی تحقق پیدا می‌کند که این دو کشور در سند چشم‌انداز خود در آینده به تعهدات خود نسبت به یکدیگر پابرجا بمانند، و در صورت هر نوع رویکردی در سطح جهان از موضع خود تغییر تاکتیک ندهند. یکی از انواع همکاری‌های انرژی بین ایران و روسیه و اصلی‌ترین مورد این همکاری در زمینه تجهیز و تکمیل پروژه‌های هسته‌ای ایران با بازتاب جهانی آن است. روسیه همواره در سال‌های اخیر ضمن کمک‌های فنی و مهندسی به این پروژه در ایران، در سطح جهان با حمایت خود از فعالیت‌های هسته‌ای ایران، ضمن پافشاری به تعهد خود نسبت به ایران، سودهای زیادی از کارت ایران در سطح جهان به ویژه برای مقابله با اتحادیه اروپا و هژمونی آمریکا می‌برد. ایران نیز به مقصود خود یعنی شناخته شدن یک قدرت منطقه‌ای می‌رسد. بنابراین همکاری‌ها در این سطح می‌تواند زمینه‌ساز توسعه روابط در نفت و گاز و همکاری در سازمان بین‌المللی مانند اوپک و اوپک گازی گردد. این نوع همکاری‌ها فرصت مناسبی در پیشبرد عرصه ژئوپلیتیک انرژی دو کشور است.

منابع

- _____ (۱۳۸۳)، «آینده نفت و گاز خلیج همیشه فارس»، *ماهنامه اقتصاد*، شماره ۷۲. رجوع در سایت: www.iran.economic sent/fa/articles.asp
- _____ (۱۳۸۷)، *اطلس جامع گیتاشناسی*، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- آقا زاده، حسین (۱۳۸۳)، *فرهنگ نیلگون در سرزمین روسیه*، انتشارات باز: تهران.
- اخباری، محمد و ایازی، سیدمحمد هادی (۱۳۸۷)، «وضعیت خاورمیانه در ساختار ژئوپلیتیکی هزاره سوم»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، شماره ۴.
- امیر احمدیان، بهرام (۱۳۸۷)، «بحران گرجستان: طرف‌های درگیر، علت‌ها و پیامدها»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۲۵۴-۲۵۳.
- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۲)، امنیت جمهوری آذربایجان و ناتو، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۴۲.
- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۴)، ژئوپلیتیک لوله‌ها در عرصه ژئواستراتژیک اوراسیا، *همشهری دیپلماتیک*، شماره ۴۵.
- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۴)، *شکل‌گیری عرصه جدید ژئواستراتژیک در آسیا*، مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، نشر سازمان جغرافیایی، تهران.
- ایزدی، جهانبخش (۱۳۸۵)، «درآمدی بر طرح خاورمیانه بزرگ»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، انتشارات دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- براکور، رابرت و انور کیسروف (۱۳۸۱)، «ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی در داغستان»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۴۰.
- بوزان، باری و الی ویور (۱۳۸۸)، *مناطق و قدرت‌ها*، ترجمه رحمان قهرمان پور، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- بوزان، باری، الی ویور و پاپ دو ویلد (۱۳۸۶)، *چهارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*، ترجمه علیرضا طیب، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.

- بی.بی.سی.، بخش فارسی، ۸۸/۴/۲۲
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۲)، **روابط خارجی ایران**، انتشارات آوای نور، تهران.
- حافظ نیا، محمد رضا و دیگران (۱۳۸۷)، **علائق ژئوپلیتیکی ایران در آسیای مرکزی و فرصت‌های پیش رو، فصلنامه ژئوپلیتیک**، نشر انجمن ژئوپلیتیک ایران، شماره ۴.
- حیدری، جواد (۱۳۸۲)، **طبررسی ابهاد نظام امنیتی منطقه‌ای در قفقاز**، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۴۰.
- خبرگزاری «ریانووستی»، ۱۳۸۷/۶/۱۳ و ۸۷/۶/۹
- ربیعی، حسین (۱۳۸۴)، **«نفت عراق، رقابت قدرت‌ها و آینده منطقه خلیج فارس»**، مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، نشر سازمان جغرافیایی، تهران.
- رحیمی، غلامعلی (۱۳۸۸)، **«آثار کاهش بهای جهانی نفت خام بر سرمایه گذاری‌ها در این صنعت»**، **اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره ۲۶۰-۲۵۹.
- روزنامه کیهان، ۸۸/۴/۱۷، ص ۱۴.
- رومی، فرشاد (۱۳۸۷)، **«هدف‌های آمریکا از برپایی سامانه پدافند ضد موشکی در خاور اروپا»**، **اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره ۲۵۴-۲۵۳.
- ستاری، سجاد (۱۳۸۱)، **«مداخله گرایی در افغانستان: ملاحظات و منافع راهبردی آمریکا»**، در **مطالعات منطقه‌ای اسرائیل شناسی-آمریکا شناسی**، جلد یازدهم، نشر مرکز مطالعات خاورمیانه.
- سیف‌زاده، سید حسین (۱۳۸۷)، **«روابط بین‌المللی میان رشته‌ای، نظریه بن فکنی رندانه و استراتژی جهان وطن‌گرایی میهنی»**، **فصلنامه مطالعات بین‌المللی**، شماره ۳.
- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۰)، **«جلوه‌های سیاسی جهانی شدن و نسبت آن با مبانی استراتژیک سیاست خارجی»**، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۲۰.
- سایت فرارو (۱۳۸۵)، **اتحادیه سه جانبه گازی ایران، مسکو، قطر و مخالفت اروپا**، آدرس:

[http:// www. Fararu.com/vdiciypaz.t1agr2bcct.txt](http://www.Fararu.com/vdiciypaz.t1agr2bcct.txt).

- سایت مردمک (بی‌تا)، **تشکیل اوپک گازی برای حمایت از صادر کنندگان**، آدرس: [http:// www. Mardomak.org /news/gas-opecc-to-support-exporters](http://www.Mardomak.org/news/gas-opecc-to-support-exporters).

- سایت سرمایه (بی تا)، بازتاب جهانی تولد رسمی اوپک گازی، آدرس:
[http:// www. sarmayeh.net/show news.php?28729](http://www.sarmayeh.net/show_news.php?28729)
- شبکه اول ایران برنامه گزارش هفتگی، ۸۸/۴/۲۲
- شریعتی، سیدمحمدعلی (۱۳۸۴)، «اوستی ها، ایرانیانی در قلب قفقاز»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۴۰.
- صدیق، میرابراهیم (۱۳۸۳)، **روابط ایران با جمهوری های قفقاز**، انتشارات باز، تهران.
- غریباق زندگی، داود (۱۳۸۷)، «محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران»، کتاب **مجموعه مقالات محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران**، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- قالیباف، محمدباقر و پوینده، محمد هادی (۱۳۸۷)، «تحلیل اطلاق مفهوم بیضی استراتژیک انرژی بر حوزه دریای خزر و خلیج فارس»، **فصلنامه ژئوپلتیک**، شماره ۳.
- قراگوزلو، محمد (۱۳۸۸)، «سوسالیسم، آلترناتیو اصلی نئولیبرالیسم و کینزیسم»، **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، شماره ۲۶۰-۲۵۹.
- گل افروز، محمد (۱۳۸۸)، «نقش بازیگران منطقه ای، فرامنطقه ای و تأثیر آن بر ژئوپلتیک حوزه خزر»، **مجموعه خلاصه مقالات همایش حوزه دریای خزر**، نشر دانشگاه گیلان، رشت.
- گوهری مقدم، ابوذر (۱۳۸۷)، «مروری بر تغییر پارادایمی در سیاست خارجی آمریکا در دوران بوش»، **فصلنامه راهبرد یاس**، شماره ۱۶.
- لشکری، محمد (۱۳۸۸)، «بحران مالی جهان و تأثیر آن بر اقتصاد ایران»، **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، شماره ۲۶۰-۲۵۹.
- محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۴)، «استراتژی قدرت های جهانی و تأثیر آن بر منطقه خاورمیانه (با تأکید بر استراتژی آمریکا)»، **مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلتیک ایران**، نشر سازمان جغرافیایی، تهران.
- محمدی، منوچهر و ابراهیم متقی (۱۳۸۴)، دکترین تعامل سازنده در سیاست خارجی، **فصلنامه راهبرد یاس**، شماره ۴.

- مسرت، محسن (۱۳۸۷)، «معمای بهای نفت»، **اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، ترجمه لطفعلی سمینو، شماره ۲۵۴-۲۵۳.
- مشرفی، رسام (۱۳۸۷)، استراتژی آمریکا در برابر تحولات بازار نفت، **اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره ۲۴۸-۲۴۷.
- میرترابی، سعید (۱۳۸۴)، **مسائل نفت ایران**، نشر قومس، تهران.
- نصری، قدیر (۱۳۸۴)، «نفت و معمای امنیت در خاورمیانه جدید»، **فصلنامه راهبرد دفاعی**، شماره ۷.
- وثوقی، سعید و معصومه زارعی (۱۳۸۸)، «ژئوپلیتیک انرژی دریای خزر»، **مجموعه خلاصه مقالات همایش حوزه دریای خزر**، نشر دانشگاه گیلان، رشت.
- هاشمی، سید حمید (۱۳۸۵)، **پرونده هسته‌ای ایران**، نشر پژوهشکده فرهنگی و اجتماعی، تهران.
- الهی، همایون (۱۳۸۴)، **خلیج فارس و مسائل آن**، نشر قومس، تهران.
- کمپ، جفری و رابرت هارکاوی (۱۳۸۳)، **جغرافیای استراتژیک خاورمیانه**، ترجمه سید مهدی حسینی متین، جلد اول، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کوزه گر کالجی، ولی (۱۳۸۷)، «نگاهی به بحران اوستیای جنوبی و هجوم روسیه به گرجستان»، **اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره ۲۵۴-۲۵۳.

- Ayoob, Mohammad (2002), "South-western after the Taliban", *Survival*, vol.44, no.1.
- BP statistical review of world energy , 2008